

تاریخ و تمدن اسلامی، سال سیزدهم، شماره بیست و ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۲۵-۳۸

جنگ، صلح و ازدواج: روابط خمارویه طولونی (حک. ۲۷۰-۲۸۲هـ) با خلافت عباسی^۱

معصومه علی پنجه^۲

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

این جستار در پی تبیین و تحلیل روابط دولت خودمختار محلی مصر و شام، طولونیان با خلافت عباسیان در دوره امارت خمارویه (۲۷۰-۲۸۲هـ) است. روابطی که با جنگ شروع شد و با صلح و ازدواجی سیاسی ادامه یافت. پیروزی طولونیان بر عباسیان در جنگ طواحین بازگشت سلطه طولونیان بر شام و گسترش قلمرو آنان در جزیره را در پی داشت. نمایش اقتدار خمارویه در شام و جزیره، عباسیان را ناچار به پذیرش صلح، و تن دادن به حکومت وی و خاندانش بر سرزمین‌های بین فرات و نیل کرد. سپس خمارویه به قصد تحکیم روابط و تداوم اقتدار خویش با ازدواجی شکوهمند و پر هزینه دخترش را به همسری خلیفه درآورد؛ اما نه پیمان صلح و نه پیوند زناشویی بقای حکومت فرزندان خمارویه را تضمین نکرد و یک دهه بعد، پس از قتل خمارویه (۲۸۲هـ) در ۲۹۲هـ عباسیان طولونیان را ساقط ساختند و مصر و شام را به قلمرو خلافت بازگرداندند.

کلیدواژه‌ها: طولونیان و عباسیان، خمارویه، موفق عباسی، معتضد، قطرانندی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۸

۲. رایانامه: panjeh@srbiau.ac.ir

مقدمه

در سده سوم هجری، خلافت عباسی با ظهور دولت‌های خودمختار محلی چون صفاریان و طولونیان روبرو شد که نه تنها به قلمرو محلی خود قانع نبودند بلکه در پی گسترش آن تا مرکز خلافت در عراق برآمدند. احمد بن طولون (حک. ۲۵۴-۲۷۰هـ) بنیانگذار دولت طولونی پس از یک دهه کشمش و دشمنی با موفق،^۳ برادر خلیفه و همه کاره دستگاه خلافت عباسی، در ۲۷۰هـ در حالی مرد که مذاکرات صلح میان وی و موفق آغاز شده بود.^۴ پس از ابن طولون، پسرش خمارویه بدون رضایت خلیفه، المعتمد بالله (۲۵۶-۲۷۹)، به امارت مصر و شام رسید. خمارویه اگرچه از پدر خزانه‌ای پر از ثروت به ارث برده بود ولی نزاع حل نشده با دستگاه خلافت، پیوسته حکومت وی را تهدید می‌کرد. استمرار دشمنی خلافت به سرکردگی موفق و چشم طمع فرماندهان ترک عباسی به حکومت شام و مصر، ماترکی بود که پدر برای وی بر جای نهاده بود. این که خمارویه در تقابل و نزاع با موفق و پسرش خلیفه معتضد چه سیاستی در پیش گرفت؟ و چگونه توانست با عباسیان به سازش برسد؟ و پیامدهای این سازش چه بود؟ پرسش‌هایی است که این جستار در پی پاسخ‌گویی، تبیین و تحلیل آن است.

جنگ طواحین (آسیاب‌ها)

بازیگر اصلی در نزاع طولونی-عباسی، برادر خلیفه معتمد، ابواحمد موفق بود. وی که با زیرکی و درایت بر خلیفه و دارالخلافه مسلط شده بود سعی در تقویت قدرت مرکزی خلافت و به زیرکشیدن والیان گردن‌کش داشت. موفق با دریافت خبر مرگ ابن طولون در

۳. موفق در دوره خلافت مهتدی (۲۵۵-۲۵۶هـ)، به مکه تبعید شده بود، اما با افزایش خطر شورشیان زنگ، به سامرا فراخوانده شد (۲۵۶هـ) و فرماندهی سپاه را به عهده گرفت (نک. یعقوبی، ۵۳۹/۲).

۴. بلوی، ۳۰۲-۳۰۵.

۵. برای ثروت ابن طولون، نک. بلوی، ۳۴۰، ۳۴۹، ۳۵۰؛ ابن سعید، ۱/۱۳۲؛ ابن ایاس، ۱/۱۶۹.

اولین اقدام به مذاکرات صلح با طولونیان پایان داد. در تقابل با این تصمیم از آن سوی خمارویه دستور داد که لعن موفق را بر منابر بار دیگر از سرگیرند. سپس به شام آمد و به تنظیم امور آنجا که هر لحظه از ناحیه خلافت تهدید می‌شد، پرداخت؛ وی زبده‌ترین سردارانش را به حکومت شهرها و مناطق مهم و راه‌بردی برگزید و نیروهای بسیاری را در حلب مستقر ساخت.^۶

در همین زمان دو تن از کارگزاران مطیع دستگاه خلافت که از چندی قبل به جرگه کنشگران اصلی سیاست در شام و جزیره وارد شده بودند، از فرصت استفاده کردند و به تصرف شهرهای شام پرداختند؛ اولی اسحاق بن کُنداج، حاکم موصل و جزیره بود که موفق او را در ۲۶۹هـ به عنوان حاکم «قانونی» مصر و شام برگزیده بود و دیگری ابن ابی السَّاج محمد بن دیوداد والی وقت انبار بود. این دو که خمارویه جوان و بی تجربه را حریف قابلی نمی‌دانستند، طمع تصرف شام را در سر داشتند و با اجازه و وعده یاری موفق به شام یورش آوردند^۷ و به سرعت بر رقه، ثغور و عواصم چیره گشتند و در ربیع الآخر ۲۷۱هـ پس از تصرف انطاکیه، وارد حلب شدند. دمشق نیز با خیانت و فرار احمد بن دعباش، والی طولونی این شهر، تسلیم شد.^۸

خمارویه برای مقابله، دو لشکر به فرماندهی احمد بن محمد الواسطی و سعد الأیسر^۹ که از جانب دریا هم با کشتی‌هایی حمایت می‌شدند به شام فرستاد. این دو سپاه در ذی الحجه ۲۷۰هـ قبل از تصرف کامل شام توسط نیروهای حامی خلافت به این منطقه گسیل شده بودند.^{۱۰} واسطی، یار قدیمی ابن طولون در فلسطین، به سبب ترس و کینه‌ای که از

۶. ابن عدیم (۸۰/۱) اشاره دارد که خمارویه هنگامی که در حلب بود، برای موفق نامه‌ای فرستاد و از او خواست که حکومتش در مقابل دعا برای وی، به رسمیت شناخته شود، اما موفق به او پاسخی نداد (نیز نک. زبّود، ۱۲۱).

۷. ابن اثیر، ۴۰۹/۷؛ ابن خلدون، ۴۳۶/۳.

۸. ابن اثیر، همانجا؛ ابن خلدون، همانجا.

۹. در طبری و مقریزی «سعد الأیسر».

۱۰. کندی، ۲۳۳، ۲۳۴؛ مقریزی، ۳۲۱/۱.

خمارویه به دل داشت به مولای خویش خیانت کرد و به سپاه عباسی پیوست؛^{۱۱} با این حال، سپاه خمارویه دمشق را باز پس گرفت و از آنجا برای نبرد با ابن کنداج و ابن ابی ساج به شَیْرَ رُفت. موفق برای یاری به این دو، سپاهی به فرماندهی پسرش احمد ابوالعباس (خلیفه معتضد بعدی) به سوی آنها فرستاد که با شکست و فرار سپاه خمارویه، در شعبان ۲۷۱ هـ وارد دمشق شد.^{۱۳} ابوالعباس احمد ابتدا قصد بازگشت داشت، ولی به اصرار نیروهای خائن به خمارویه که هم اکنون در سپاه وی بودند، منتظر رسیدن خصم شد؛^{۱۴} اما ابن ابی الساج و ابن کنداج که ابوالعباس به سبب تعلق در جنگ با دشمن قبل از آمدن وی، به جبن متهم شده بودند از سپاه عباسی کناره گرفتند و به حلب رفتند؛^{۱۵} و بدین سان اتحادی که موفق ایجاد کرده بود، از هم گسیخت.

دو سپاه در جنوب فلسطین در جایی به نام طواحین^{۱۶} (آسیاب‌ها) در کنار نهر ابی فُطْرُس در ۱۶ شوال ۲۷۱ هـ با هم برخورد کردند. کندی، شمار سپاه طولونی را هفتاد هزار و سپاه عباسی را چهار هزار نفر ذکر می‌کند که به نظر اغراق‌آمیز می‌آید.^{۱۷} در این نبرد ابتدا خمارویه شکست خورد و به مصر گریخت؛ اما با پایمردی سردار شجاع طولونی، سعدالایسر، ابوالعباس احمد هم تاب نیاورد و روی به گریز نهاد؛ عراقیان مغلوب و دمشق به تصرف مصریان درآمد.^{۱۸} سعد غنایم را به سپاهان بخشید و مژده پیروزی به مصر فرستاد. با این پیروزی بار دیگر شام به قلمرو طولونیان بازگشت. نکته قابل توجه، عدم همکاری

۱۱. کندی، ۲۳۴؛ چون وی عامل تحریک خمارویه در قتل برادرش بود.

۱۲. قلعه و ناحیه‌ای در شام نزدیک معرة، از آنجا تا حماة یک روز راه است (یاقوت، ۴۳۴/۳).

۱۳. کندی، ۲۳۵؛ ابن اثیر، ۴۰۹/۷، ۴۱۰.

۱۴. کندی، همانجا؛ ابن خلدون، ۴۳۶/۳، ۴۳۷.

۱۵. ابن عدیم، ۸۱/۱.

۱۶. جایی نزدیک رمله از سرزمین فلسطین (یاقوت، ۵۱/۴).

۱۷. کندی، ۲۳۵.

۱۸. طبری، ۸/۱۰؛ مسعودی، ۵۸۰/۲.

اهالی شام با عباسیان بود تا جایی که اهالی دمشق و طرسوس دروازه های شهر را به روی ابوالعباس بستند و وی ناچار به مرکز خلافت بازگشت.^{۱۹} چندی بعد سعدالایسر را هوای تمرد در سر افتاد. وی خمارویه را به ترس و ناتوانی و سرگرمی به لهو و تجمل‌گرایی^{۲۰} متهم می‌کرد و قصد استقلال از طولونیان داشت. خمارویه که حدود یک‌سال وی را به حال خود رها کرده بود و هنوز خاطره خیانت لؤلؤ^{۲۱} و واسطی را به یاد داشت به وی بدگمان شد. پس در ذی القعدة ۲۷۲هـ به شام آمد و سعد خائن را به قتل رساند.^{۲۲}

در فاصله سال‌های ۲۷۳ تا ۲۷۶هـ به واسطه اختلافی که میان رقبای خمارویه، ابن ابی الساج و ابن کنداج در گرفت و نیز به واسطه پشتکار و همت خود خمارویه، وی فرصت یافت تا قلمرو خویش را تا موصل و جزیره توسعه دهد و با شکوهی وصف‌ناپذیر در کناره‌های دجله بر تخت پیروزی نشیند.^{۲۳} در این زمان قلمرو طولونیان از برقه (در غرب) تا جزیره و از روم (آسیای صغیر) تا بلاد نوبه را شامل می‌شد؛ چندی بعد ثغور نیز به سلطه وی گردن نهاد.^{۲۴}

۱۹. کندی، ۲۳۵؛ ابن عدیم، ۸۲/۱. برای تفصیل این واقعه نک. ابن اثیر، ۴۱۴/۷۰، ۴۱۵.

۲۰. این اتهامات چندان هم بیراه نبود. از نمونه‌های این تجمل‌گرایی، ساخت تالاری بنام «بیت الذهب» بود که سقف و دیوارهای آن با لاجورد و طلا تزیین شده بود؛ دیگر آن‌که دستور داد برای رفع بی‌خوابی‌اش بستری از جیوه «حوض زیتق» (آبگیر جیوه/سیماب) بسازند تا در آن آرام گیرد. در شب‌های مهتابی که نور ماه و درخشش جیوه در هم می‌آمیخت تالو عجیبی داشت (نک. ابن تغری بردی، ۳/۵۴-۶۱).

۲۱. لؤلؤ از فرماندهان احمد بن طولون پس از فتح شام مدتی والی رقه بود. وی در ۲۸۶هـ به مخالفت با ابن طولون برخاست و به موفق پیوست (۶۱۴/۹).

۲۲. کندی، ۲۳۶؛ زیود، ۱۲۷.

۲۳. نک. ابن اثیر، ۴۳۰/۷.

۲۴. زیود، ۱۳۱.

صلح

بررغم این پیروزی و دستاوردهای بزرگ، هم‌چنان سیاست بلند مدت خمارویه در رابطه با دستگاه خلافت عباسی، دستیابی به صلح دائمی بود^{۲۵} تا با دریافت فرمان حکومت خویش از جانب خلیفه به آن شکل قانونی بخشید. این خط مشی در شیوه برخورد وی با اسیران عراقی که در نبرد طواحین به اسارت وی درآمده بودند، منعکس می‌شود؛ او آنها را گرامی داشت و میان بازگشت به دیار خود یا ماندن در مصر مختار گذاشت.^{۲۶}

در رجب ۲۷۳ هـ سرانجام خمارویه و موفق به توافق رسیدند؛ بنا بر گزارش منابع، خمارویه نامه‌ای همراه با هدایا برای موفق فرستاد و خواستار صلح شد.^{۲۷} طبق گزارش کندی معتمد، موفق و ابوالعباس^{۲۸} صلح‌نامه‌ای به دست خویش نوشتند که در آن حکومت «قانونی» مصر و شامات برای سی سال به خمارویه و فرزندانش واگذار شده بود.^{۲۹} خمارویه نیز دستور داد تا از لعن موفق در خطبه دست کشند و نام وی را در خطبه قرین نام خلیفه آورند.^{۳۰} این عهدنامه پیروزی سیاسی بزرگی برای خمارویه بود، چرا که نه تنها جانشینی خویش را به جای پدر بلکه جایگاه خانواده‌اش را به عنوان حاکمان موروثی مصر و شام به تأیید خلیفه رساند. این صلح‌نامه هم‌چنین نشانگر جایگاه والای خمارویه در صحنه سیاسی جهان اسلام آن روز است.

بررغم این سازش، موفق در سراسر سال‌های بعدی تا ۲۷۸ هـ که مرگ به سراغش آمد، پیوسته مشغول دسیسه‌چینی و جمع‌آوری نیرو برای فرستادن به شام بر ضد حکومت

25. Haarmann, "Khumārawayh", *ET*², 5/49.

۲۶. ابن اثیر، ۴۱۵/۷.

۲۷. کندی، ۲۳۷؛ ابن تغری بردی، ۵۱/۳.

۲۸. ابوالعباس احمد، المعتضد بالله، فرزند موفق.

۲۹. بلوی، ۲۳۸؛ ابن تغری بردی، همانجا.

۳۰. کندی، همانجا؛ مقریزی، ۳۲۱/۱.

طولونیان بود.^{۳۱} با مرگ وی دولت طولونی از دست سرسخت‌ترین دشمن خویش رهایی یافت. به دنبال وی ابن کنداج در همان سال و خلیفه معتمد نیز در ۲۷۹هـ از دنیا رفتند.^{۳۲} در ۲۷۹هـ، احمد ابوالعباس بن موفق با لقب معتضد به خلافت رسید.^{۳۳} خمارویه بلافاصله، ابن جصاص (حسین بن عبدالله بن منصور جوهری) را با هدایا و تحف بسیار به نزد خلیفه جدید روانه ساخت.^{۳۴} با اظهار انقیاد خمارویه، پیمان جدیدی در ۲۸۰هـ میان آن دو بسته شد که بر اساس آن سرزمین‌های میان فرات و برقه برای مدت سی سال به خمارویه و فرزندانش واگذار شد؛ در مقابل خمارویه موظف گردید به عنوان خراج‌گذار خلیفه، ۲۰۰/۰۰۰ دینار برای سال‌های گذشته و ۳۰۰/۰۰۰ دینار برای هر سال به دستگاه خلافت بپردازد.^{۳۵} قابل توجه است که در این پیمان، علاوه بر امارت «صلاة و خراج»، برای نخستین بار در تاریخ مصر اسلامی، حق تعیین قاضی نیز به خمارویه واگذار شد.^{۳۶} نیز درخور عنایت است که خلیفه از واگذاری موصل که بنا بر گفته ابن اثیر یکی از درخواست‌های خمارویه بود، سرباز زد.^{۳۷}

ازدواج معتضد با قَطْر النَّدَى^{۳۸} دختر خمارویه

ابن جصاص در دیدار با خلیفه علاوه بر تقدیم هدایا، حامل پیام و درخواستی از طرف

۳۱. زیود، ۱۳۳.

۳۲. کندی، ۲۴۰.

۳۳. همانجا.

۳۴. کندی، ۲۴۰؛ طبری، ۳۰/۱۰.

۳۵. کندی، همانجا؛ ابن تغری بردی، ۵۳/۳.

۳۶. همانجاها.

۳۷. ابن اثیر، ۴۵۴/۷.

۳۸. ابن خلکان (۲۴۹/۲) نام قَطْر النَّدَى را «اسماء» آورده است.

خمارویه برای خلیفه بود و آن پیشنهاد ازدواج دخترش قَطْرَالنَدَى با پسر خلیفه علی بود.^{۳۹} خلیفه اظهار تمایل نمود که خود و نه پسرش با شاهزاده خانم مصری ازدواج کند، با این جمله که «او (خمارویه) می خواهد بوسیله ما اعتبار اندوزد، من اعتبار او را بیشتر می کنم و خود او را می گیرم»،^{۴۰} و ابن جصاص عهده دار آوردن عروس و جهاز وی شد.

این ازدواج یکی از پرهزینه ترین و پرتجمل ترین ازدواج ها در تاریخ اسلام به شمار می رود که باعث شگفتی نویسندگان شده است. قُضَاعی در عبارتی کوتاه اما رسا از فراوانی جهاز قَطْرَالنَدَى این گونه یاد می کند: «با دختر خویش جهازی فرستاد که مانند آن نه دیده شده است و نه شنیده».^{۴۱} هدایای خمارویه برای خلیفه عبارت بود از بیست استر طلا، ده خادم، دو صندوق پارچه های مطرّز، بیست مرد سوار بر بیست اسب اصیل با زین های نقره و با قباهای دیبا و کمربندهای مزین، هفده اسب دیگر با زین و لگام طلا و نقره، سی اسب دیگر با حله های نقش دار، پنج استر با زین و لگام و یک زرافه. هنگامی که ابن جصاص و همراهان به نزد خلیفه تشریف یافتند وی بر آنان خلعت پوشاند.^{۴۲}

مراسم ازدواج سه سال بعد در ۲۸۲ هـ برگزار شد. جهیزیه گران قیمت و پر زرق و برق قَطْرَالنَدَى عبارت بود از اریکه ای (دکّه ای) که از چهار قطعه طلا تشکیل شده بود و با گنبدی مشبک از طلا بر آن که به هر یک از شبکه ها گوشواره ای مرصّع به گوهری گران بها آویزان بود که قابل قیمت گذاری نبود با صد هاون زرین و هزار بند شلوار که قیمت هر کدام ده دینار و روی هم ۱۰/۰۰۰ دینار بود. بندشلوار کالایی ارزشمند بود چنان که قضاعی در قرن پنجم می گوید: «اکنون در همه بازار قاهره یک بند شلوار که به ده دینار ارزد آسان نمی توان

۳۹. طبری، همانجا.

۴۰. مسعودی، ۵۹۹/۲.

۴۱. مقریزی، ۳۱۹/۱.

۴۲. طبری، همانجا.

یافت).^{۴۳}

برخی از منابع به ولخرجی‌های بی حد و حصر خمارویه در این ازدواج اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه مسعودی گوید: «ابن جصاص آن قدر جواهر با قطرالندی آورد که نظیر آن پیش هیچ خلیفه‌ای فراهم نشده بود».^{۴۴} این جواهرات به اندازه‌ای زیاد بود که ابن جصاص بخشی از آن را با اجازه قطرالندی نزد خود نگهداشت. چون قطرالندی اندک زمانی بعد بمرد، ابن جصاص با استفاده از این جواهرات، ثروت فراوانی به هم زد.^{۴۵} نیز از ۴۰۰/۰۰۰ دیناری که خمارویه به ابن جصاص بخشید^{۴۶} می‌توان مخارج سنگین تهیه جهاز را که در چهار طومار مکتوب بود، حدس زد.

پیش از عزیمت عروس به دارالخلافه، مراسم جشنی در قصر خمارویه برپا شد و زنان بسیاری با لباس‌های زیبا و زیورهای گرانبها در آن شرکت کردند. قطرالندی پوششی از حریر سفید بر تن داشت با نیم تاجی از طلا و سرپوشی مرصع و گوشواره‌های طلای حلقه مانند و انگشترهای زرین و بازوبندهای مرصع. چون مهمانان بیامدند سفره بینداختند و در آن گل‌های خوش بوی بریختند. عروس در صدر، مادرش در سمت راست و مادر بزرگش در سمت چپ وی نشستند. دو ظرف بزرگ جلو ایشان نهادند. در ظروف از همه گونه غذا به فراوانی یافت می‌شد.^{۴۷}

در هنگام سفر به بغداد قطرالندی با مرکبی مجلل، از شهر قطنع، پایتخت طولونیان که مردمانش برای بدرقه وی برون شده بودند، راهی شد. خمارویه پیشاپیش موکب بر اسبی کهر سوار بود و شمشیری حمایل داشت. محافظان ویژه‌اش قبا بر تن و با شمشیرهای

۴۳. مقریزی، ۳۱۹/۱؛ ابن دقماق، ۶۷/۴؛ ابن تغری بردی، ۶۱/۳؛ سیوطی، ۱۴۸/۲.

۴۴. مسعودی، ۵۹۹/۲.

۴۵. همانجا؛ سیوطی (۱۴۸/۲) اشاره دارد که خمارویه علاوه بر جهاز مذکور، ۱۰۰/۰۰۰ دینار به قطرالندی داد تا هر آنچه در مصر تهیه نشده بود، در عراق برای خویش بخرد.

۴۶. ابن تغری بردی، ۶۲/۳.

۴۷. حسن، ۴۵۸/۳.

مطلای آویخته بر کمر از پی او روان بودند. از پی آنها سپاهیان بودند که مصریان و ترکان زره و تیر داشتند و سپاهان عباها و عمامه‌های سیاه.^{۴۸}

شاهزاده خانم مصری را در سفر به دارالخلافه جماعتی به سرپرستی یکی از برادران خمارویه، خزرچ یا شیبان و ابن جصاص همراهی می‌کردند. خمارویه فرمان داده بود که از مصر تا بغداد در هر منزلی قصری بنا کنند تا عروس در آن استراحت کند. در این قصرها همه لوازم مورد نیاز وی تدارک دیده شده بود. سفر عروس از مصر به بغداد بی تحمل هیچ مشقتی طی شد، «همانند حرکت نوزاد در گهواره».^{۴۹} عروس و همراهان در دوم محرم ۲۸۲ هـ وارد بغداد شدند. معتضد در این هنگام در موصل به سر می‌برد؛ از این روی، انجام مراسم عروسی چندی به تأخیر افتاد. قطرالنندی در این مدت بنا بر گفته طبری در خانه صاعد بن مخلد،^{۵۰} اقامت گزید.^{۵۱}

خلیفه پیش از آمدن به بغداد از همان موصل یا بلد کابین دختر را نزد پدرش فرستاد. کابین عبارت بود از «۱۰۰/۰۰۰ درهم (۱۰/۰۰۰ دینار) با کالاهای، عطر و تحفه‌های چین، هند و عراق، یک کیسه جواهرات گرانبها شامل مروارید، یاقوت و جواهرات دیگر، یک حمایل، تاج و یک نیم تاج به روایتی کلاه (قَلَنسَوَه) و تاج ویژه ابوالجیش»؛^{۵۲} اما این همه در مقابل جهاز قطرالنندی و دیگر مخارج عروسی بسیار ناچیز می‌نماید.

جشن عروسی در روز دوشنبه چهارم ربیع الاول ۲۸۲ هـ، دو ماه پس از ورود قطرالنندی، برگزار شد. در این روز مقررات خاصی در شهر به اجرا درآمد. طبری که خود

۴۸. همانجا.

۴۹. مقریزی، همان، ۳۱۹/۱؛ ابن تغری بردی، ۳/۶۲-۶۳.

۵۰. ابن مَخلَد، ابوالعلاء صاعد (د ۲۷۶ هـ)، وزیر المعتمد بالله خلیفه عباسی و کاتب الموفق، برادر و ولیعهد او که به همین سبب به ذوالوزارتین ملقب شد. خانه و املاک مصادره شده وی در این تاریخ در اختیار دستگاه خلافت بوده است (سلیم، ۴/۵۹۲-۵۹۳).

۵۱. طبری، ۳۹/۱۰؛ ابن تغری بردی، ۳/۸۷.

۵۲. مسعودی، ۲/۵۹۹؛ ابن ایاس، (۱) ۱۷۱.

احتمالا از شاهدان مراسم بوده است، آن را چنین گزارش می‌کند: «یک روز قبل از عروسی، در دو سمت بغداد ندا دادند که هیچ کس از دجله عبور نکند. دروازه کوچه‌هایی را که مجاور ساحل دجله بود ببستند و بر خیابان‌هایی که به دجله می‌رسید پرده کشیدند. بر دو سوی دجله پاسبانانی گماشتند تا نگذارند افراد از خانه‌های خویش بر ساحل نظاره کنند. چون نماز عشا گزارده شد، کشتی از خانه معتضد بیامد، خادمانی در آن بودند که با خود شمع-هایی حمل می‌کردند. برابر خانه صاعد بن مخلد بایستادند. چهارکشتی دیگر که در کنار خانه صاعد لنگر انداخته بود، عروس را که در کشتی اول جای داشت، تا قصر خلیفه همراهی کردند».^{۵۳} چون خلیفه آن دختر بدید سخت شیفته وی شد، زیرا وی زیبا، خوش سیما و مؤدب یافت.^{۵۴} مراسم زفاف عروس مصری و داماد عراقی در روز بعد صورت گرفت.^{۵۵} قطراندی تنها پنج سال در خانه خلیفه زندگی کرد، زیرا در ۲۸۷هـ درگذشت.^{۵۶}

این ازدواج اگرچه از لحاظ سیاسی باعث تحکیم پیوندهای خاندان طولونی با دستگاه خلافت و نیز افزایش نفوذ خمارویه گردید، لکن از لحاظ اقتصادی، چنان ضربه سختی بر خزانه طولونیان فروآورد که به قول ابن خلکان «چنین شایع شد که معتضد این ازدواج را برای فقیر ساختن طولونیان کرده است».^{۵۷} تشریفات پرخرج این عروسی به همراه اموال بسیاری که خمارویه صرف تجمل‌پرستی و خوشگذرانی‌های خویش کرده بود، باعث کاهش شدید اموال و سرمایه‌های خزانه دولت طولونی شد که در فروپاشی این دولت در زمان جانشینان وی تأثیری بسزا داشت.

۵۳. طبری، ۴۰/۱۰.

۵۴. ابن سعید، ۱۳۵/۱؛ ابن خلکان، ۲۴۹/۲؛ ابن تغری بردی، ۶۳/۳.

۵۵. طبری، همانجا؛ ابن تغری بردی، ۸۷/۳.

۵۶. ابن اثیر، ۵۰۸/۷.

۵۷. ابن خلکان، ۲۵۰/۲؛ نیز ابن اثیر، همانجا.

خمارویه، فرمانروای قدر قدرت و بلامنازع مصر و شام، در اواخر ذی القعدة ۲۸۲هـ در حالی که در یکی از قصرهایش^{۵۸} در دمشق در بستر آرمیده بود، با حمله دسته جمعی گروهی از غلامانش به قتل رسید.^{۵۹} دولت طولونی پس از وی تنها یک دهه دوام آورد و عباسیان باردیگر مصر را به قلمرو خویش بازآوردند.

نتیجه

دهه‌های شصت و هفتاد سده سوم هجری شاهد درگیری‌های طولونیان و عباسیان بود. این دشمنی و نزاع در زمان بنیان‌گذار طولونیان، احمد بن طولون در تقابل با برادر خلیفه موفق، بیش از یک دهه در نامه‌نگاری و جنگ روانی و لعن بر منابر تداوم داشت. خصومت دو دولت در دوره خمارویه از نزاع لفظی فراتر رفت و به جنگ منجر شد که پیروزی طولونیان و در نتیجه بازپس‌گیری شام و تسلط بر بخش‌هایی از جزیره را در پی داشت. چندی بعد عباسیان ناچار سیاستی دیگر در پیش گرفتند و با پذیرش صلح، بر حاکمیت خمارویه و فرزندان او بر مصر و شام مهر تأیید نهادند. سپس خمارویه پا از این فراتر نهاد و در جهت کسب اعتبار و اقتدار بیشتر دخترش قطرالتدی را به همسری خلیفه درآورد؛ اما هیچ یک از این تدابیر به پیمان صلح استوار و پایداری نینجامید و یک دهه پس از مرگ خمارویه، عباسیان خلاف پیمانی که بر حکومت موروثی طولونیان بر مصر و شام تأکید داشت، طومار این خاندان را در هم پیچیدند.

۵۸. ابن قصر در دامنه کوه قاسیون پایین تر از دیر مُرّان قرار داشت (ابن تغری بردی، ۶۴/۳).

۵۹. ابن سعید، ۱۳۴/۱؛ کندی، ۲۴۱؛ برای ملاحظه دو روایت مختلف در چگونگی به قتل رسیدن خمارویه نک.

ابن تغری بردی، ۶۳/۳ - ۶۴.

کتابشناسی

- ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲/هـ، ۱۹۸۲م.
- ابن ایاس، محمد بن احمد، بدائع الزهور فی وقائع الدهور، به کوشش محمد مصطفی، قاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۴۰۲/هـ، ۱۹۸۲م.
- ابن تغری بردی، جمال الدین ابوالمحاسن، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهرة، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر یا تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ش.
- ابن خلکان، شمس الدین احمد، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، به کوشش احسان عباس، بیروت، دارالثقافة، ۱۹۶۸م.
- ابن دقماق، ابراهیم بن محمد، الانتصار لواسطة عقداامصار، به کوشش فولرس، بیروت، المكتب التجاري للطباعة النشر و التوزيع، بی تا.
- ابن سعید مغربی، علی بن موسی، المغرب فی حلی المغرب، قسم خاص مصر، به کوشش زکی محمد حسن و دیگران، قاهرة، مطبعة جامعة فؤاد الاول، ۱۹۵۳م.
- ابن عدیم، ابوالقاسم کمال الدین عمر، زبدة الحلب من تاریخ حلب، به کوشش سامی الدهان، دمشق، المعهد الفرنسي بدمشق للدراسات العربية، ۱۳۷۰هـ/۱۹۵۱م.
- بلوی، ابومحمد عبدالله بن محمد، سیرة احمد بن طولون، به کوشش محمد کردعلی، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
- تّوخی، ابوعلی محسن به علی، نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة، به کوشش عبودالشالجي، بی جا، بی نا، ۱۳۹۱م/۱۹۷۱هـ.
- حسن، حسن ابراهیم، تاریخ الاسلام السياسي و الدینی و الثقافی و الاجتماعي، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۶۴م.
- زیّود، محمد احمد، العلاقات بین الشام و مصر فی العهدين الطولونی و الاخشیدی، دمشق، دارحسان، ۱۴۰۹هـ/۱۹۸۹م.
- سليم، عبدالامير، «ابن مخلد، ابوالعلاء»، دبا، زیر نظر کاظم موسی بجنوردی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰ش.

- طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الأمم و الملوك، به كوشش محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت، دارالتراث، ١٣٨٧هـ/١٩٦٧م.
- كندى، ابو عمر محمد بن يوسف، كتاب الولاية و كتاب القضاة، به كوشش رفق گست، بيروت، مطبعة الآباء اليسوعيين، ١٩٠٨م.
- مسعودى، ابو الحسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، به كوشش شارل پلا، بيروت، الشركة العالمية للكتاب، ١٩٨٩م.
- مقريزى، تقى الدين، المواعظ و الاعتبار فى ذكر الخطوط و الآثار، معروف به الخطوط المقريزية، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، بى تا.
- ياقوت حموى، ابو عبدالله، معجم البلدان، به كوشش فريد عبدالعزيز الجندى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٠هـ/١٩٩٠م.
- يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب ابن واضح، تاريخ يعقوبى، ترجمه محمد ابراهيم آيتى، تهران، علمى و فرهنگى، ١٣٧٨ش.

Haarmann, U., "Khumarawayh", *ET*², Leiden, E. J. Brill, 1986, V. 5, pp.49-50.